

## عملکرد مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان

### کیما کشتی آرا

دانشجوی کارشناسی ارشد

### دکتر علی رضا ابطحی فروشانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

ایران - اصفهان

### چکیده

با روی کار آمدن سلسله پهلوی و در زمان سلطنت رضا شاه، برقراری امنیت و تشکیل دولت مقتدر مرکزی در ایران در رأس امور قرار گرفت و تمرکزگرایی روح حاکم بر اقداماتی بود که در جهت استقرار نظم در ایران نوین انجام گرفت.

این خط مشی در عرصه های فرهنگی بویژه در آموزش و پرورش نیز نمود داشت و این نهاد مهم تحت نظارت دولت فعالیت می کرد و برنامه های آموزشی همانند سایر برنامه ها اهداف خاص دنبال شده از الگوی غربی را پیروی می کرد.

زمینه رشد و شکوفایی نهضت های فرهنگی پس از سقوط رضا شاه فراهم و فعالیت نیروهای مذهبی در جهت اسلامی کردن نظام تعلیم و تربیت آغاز شد.

تأسیس مدارس جامعه تعلیمات اسلامی یکی از نشانه های شروع این حرکت بود، مدارس که با همت عباسعلی اسلامی در تهران شروع به کار کرد و با هدایت روحانیون و حمایت بازاریان معتقد و متنفذ در سراسر کشور گسترش یافت.

در شهر اصفهان با کوشش شیخ غلام رضا فیروزیان شعبه هایی از این مدارس تأسیس شد و خیلی زود توانست با ارائه برنامه های آموزشی دینی در کنار مطالب درسی نظر خانواده های متدین اصفهانی را به خود جلب کند و مورد حمایت روحانیون بزرگی مانند آیت الله خادمی قرار گیرد و تا هنگام به اجرا گذاشتن سیاست ملی کردن کلیه مدارس توسط دولت به فعالیت خود ادامه دهد. در تمام مدت فعالیت این مدارس، عملکرد اعضای آن از نظر نیروهای امنیتی ساواک دور نماند و چهره های شاخص و فعالی مانند شیخ غلام رضا فیروزیان بارها زندانی شدند.

در این پژوهش تلاش شده چگونگی تأسیس و عملکرد این مدارس در شهر اصفهان با تکیه بر اسناد و مدارک موجود و با روش توصیفی-تحلیلی، به عنوان گوشه ای از مبارزات فرهنگی در زمان پهلوی دوم از جانب روحانیون مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اصفهان - پهلوی دوم - مدارس جامعه تعلیمات اسلامی - عباسعلی اسلامی -

شیخ غلام رضا فیروزیان

Archive of SID

## مقدمه

نظام آموزشی ایران در اواخر دوره قاجار و به قدرت رسیدن رضا شاه، عقب مانده و فاقد نظم و یکپارچگی لازم بود.

بیشتر مدارس به صورت خصوصی اداره می شد و برنامه مدونی در خصوص گذراندن مدارج تحصیلی وجود نداشت، بنابر این از جمله طرح هایی که در دستور کار دولت رضا شاه قرار گرفت رسیدگی به سیستم آموزشی در کشور بود، اما همانند سایر برنامه های به اجرا در آمده در آن دوران، برنامه های فرهنگی و آموزشی نیز تحت الشعاع اصول تمرکز گرایی و گرایش ناسیونالیستی دولت قرار گرفت و در نتیجه مجال برای اعمال نفوذ از جانب سایر گروهها در برنامه های آموزشی در مدارس باقی نماند و امکان پیدایش مدارس خصوصی بسیار محدود شد. مطالب درسی نظام نوین آموزشی در دوره پهلوی، با توجه به الگوی فرانسوی طرح ریزی شد و از صبغه دینی تعلیمات و آموزش ها بطور چشمگیری کاسته شد.

پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش/۱۹۴۱ م و باز شدن فضای سیاسی کشور، رویکرد گروه های مذهبی بر سیاست های فرهنگی متمرکز شد و تکاپوی گسترده ای از جانب کانون های فرهنگی در اوایل سلطنت محمد رضا شاه آغاز شد.

یکی از این کانون ها جامعه تعلیمات اسلامی بود که به دست عباسعلی اسلامی از روحانیون مبارز آغاز به کار کرد و با حمایت مراجع تقلید و بازاریان متدین فعالیت های خود را گسترش داد و علاوه بر تهران در سایر شهر ها، از جمله شهر اصفهان نیز شعباتی تأسیس کرد و با ساخت مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی موفق به جذب تعداد زیادی دانش آموز شد، چرا که در کنار مدارس دولتی، مدارس خصوصی نیز امکان فعالیت یافته بودند.

مؤسس شعبه مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان شیخ غلام رضا فیروزیان از نزدیکان شیخ عباسعلی اسلامی و شخصیتی مورد حمایت روحانیون منتقد اصفهان آیت الله خادمی و طیب بود که با کمک های بازاریانی همچون حاج آقا موسوی و حاج میرزا علی اکبری کازرونی توانست این مدارس را در اصفهان گسترش دهد و با افزایش تعداد شعبات این مدارس در سطح شهر تا هنگام اجرای طرح ملی کردن مدارس از سوی دولت در سال ۱۳۵۲ ه.ش به فعالیت خود ادامه دهد.

پژوهش هایی در خصوص عملکرد این مدارس صورت گرفته که از جمله می توان به کتاب (جامعه تعلیمات اسلامی) نوشته حمید کرمی پور و یا (مدارس اسلامی در دوره پهلوی دوم) نوشته

ناهدید روشن نهاد اشاره کرد که البته مطالب آن ها کلی بوده و صرفاً فعالیت این مدارس در شهر اصفهان را در بر نمی گیرد و همچنین از سوی مرکز بررسی اسناد تاریخی کتابی با عنوان (حجۀ الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک) به چاپ رسیده که اسناد آن در هنگام نگارش این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است .

در این مقاله تلاش شده ، سیر فعالیت این مدارس در شهر اصفهان از ابتدای تأسیس مورد بررسی قرار بگیرد تا به این ترتیب گوشه ای از فعالیت های فرهنگی رو حانیون در اصفهان در دوران سلطنت پهلوی دوم روشن شود.

### زمینه تشکیل انجمن های مذهبی در شهر اصفهان پس از شهریور ۱۳۲۰ه.ش/۱۹۴۱م

زمینه تشکیل انجمن های مذهبی از زمان مشروطه در شهر اصفهان فراهم شد و از آنجایی که این شهر به دلیل سوابق مذهبی مأمّن چهره های متنفذی مانند حاج آقا نجفی و حاج آقا نورالله اصفهانی بود، فعالیت این انجمن هادر عرصه های مختلف گسترش یافت. (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۹۹)

پس از انقلاب مشروطه، اصفهان نیز متأثر از منازعات فکری تهران بود و تشکیل انجمن های متعدد گویای این مطلب بود. (روضاتی ۱۳۸۸ ، صص ۸۴-۸۳)

برای نمونه شکل سیاسی هیئت علمیه اصفهان از جمله معروف ترین این انجمن ها بود. همچنین پس از صدور فرمان مشروطیت نهضت تأسیس مدرسه در اصفهان به وجود آمد .(معمدی ۱۳۸۶، ص ۲۱) زیرا از اواخر سده ی سیزدهم اندک اندک ، مدارس نوین کار خود را در اصفهان آغاز کرده بودند. (ایمانیه ، بی تا ، ص ۱۵۸)

اما پس از قدرت یابی رضا شاه فضای سیاسی کشور تغییرات چشمگیری یافت و اجازه ادامه فعالیت از انجمن ها گرفته شد .(جعفریان ۱۳۸۵ ، ص ۱۰۰) و همچنین فعالیت مدارس بر اساس برنامه وحدت سازمانی در زیر نظارت دولت قرار گرفت. (صدیق ، ۱۳۵۶، صص ۱۸۷-۱۸۶)

پس از سقوط سلطنت رضا شاه آزادی ناشی از سقوط دیکتاتوری سبب شد تا گروه های مختلف مذهبی امکان فعالیت در شهر ها ی مختلف کشور از جمله در شهر اصفهان را بیابند چراکه از دیرباز روحانیون جایگاه و نفوذ ویژه ای در میان اقشار مختلف مردم شهر اصفهان داشتند. به این ترتیب پس از شهریور ۱۳۲۰ه.ش /۱۹۴۱م هر کدام از این شخصیت ها با تکیه بر طرفدارانشان به رهبری تشکیلاتی مذهبی اقدام کردند. جلسات بسیاری برگزار شد و روحانیون از طرق مختلف منجمله منبر و ایراد خطابه و سخنرانی در جهت تبلیغات مذهبی شروع به فعالیت کردند.

فروپاشی سیاست های تمرکز گرایی (کرونین، ۱۳۸۳، صص □□ ۱۸۶۱) و به ویژه در آغاز سلطنت محمد رضا شاه و تظاهر شاه جوان مبنی بر دوری گزیدن از استبداد و توجه به ظواهر مذهب (آوری، ۱۳۷۱، ص ۱۹۲) این امکان را به نخبگان سیاسی و نیروهای سرکوب شده مذهبی می داد تا بار دیگر به صحنه سیاست بازگشته و انجمن ها کار خود را از سر گرفته و دست به فعالیت بزنند.

فضای سیاسی کشور نیز به دلیل تلاش حکومت پهلوی دوم در خصوص جلوگیری از نفوذ اندیشه های کمونیست امکان فعالیت به این انجمن های مذهبی را می داد. (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۹۹) این گونه بود که هیئت هایی همانند، هیئت علمیه اصفهان و یا انجمن تبلیغات دینی کار خود را از سر گرفته و گسترش یافتند. (آبراهامیان، ۱۳۷۹، ص ۱۵۳)

از جمله مجامع دینی که پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش/ ۱۹۴۱ م در تهران و سایر شهر ها شروع به کار کرد جامعه تعلیمات اسلامی بود. (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰) که از طریق تأسیس مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی فعالیت خود را آغاز کرد و شعبه این مدارس در سال ۱۳۲۶ ه.ش/ ۱۹۴۷ م کار خود را در اصفهان شروع کرد. (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶) و فعالیت مدارس در زیر پوشش وزارت فرهنگ قرار گرفت. (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۵۴)

قبل از آنکه به نحوه و سیر فعالیت این مدارس در اصفهان بپردازیم لازم است درباره بنیانگذار مدارس جامعه تعلیمات اسلامی توضیح مختصری ارائه شود.

#### شیخ عباسعلی اسلامی و تأسیس مدارس جامعه تعلیمات اسلامی

عباسعلی قرائتی سبزواری معروف به اسلامی در سال ۱۲۷۵ ه.ش در شهر سبزوادر خانواده ای متدین به دنیا آمد، وی تا سی سالگی در سبزواری و مشهد در محضر علما و اساتید علوم دینی به تحصیل علم پرداخت. مهمترین استاد او در مشهد آیت الله میرزا مهدی اصفهانی بود در سال ۱۳۰۵ ه.ش به همراه عهده ای از مردم خراسان راهی عراق شد و به مدت چند سال در شهر های کربلا و نجف و سامرا سکونت کرد. پس از مدتی به سوریه رفت سپس به نجف بازگشت. (کرمی پور، ۱۳۸۰، ص ۲۱). حضور و اقامت وی در نجف سبب شد تا محیط فرهنگی و دینی این شهر تأثیر عمیقی بر زندگی و بینش اسلامی او بر جای گذارد و سبب شد رابطه ی نزدیک با علما و روحانیون این شهر بیابد. (کرمی پور، ۱۳۸۳، ص ۳۴)

در سال ۱۳۱۰ه.ش به مشهد بازگشت ومدتی بعد با مساعدت شوکت الملک علم، حاکم شهر بیرجند و به همراه یکی از دوستانش با هدف تبلیغ احکام دینی راهی هندوستان شدو با یکی از روحانیون برجسته ی هندوستان به نام ((نجم العلما)) مؤسس مدرسه ای به نام ((مدرسه الواعظین)) در لکنهو آشنا شد. فعالیت این مدرسه تأثیر به سزایی بر وی داشت، چراکه این مدرسه تلاش می کرد با تعلیم و تربیت جوانان شیعه و تدریس اصول دینی و فقه ای در کنار علوم و فنون جدید، در مقابله با نظام آموزش انگلیسی ها به محافظت از میراث و سنت دینی تشیع بپردازد. (روشن نهاد، ۱۳۸۴، صص ۵۱-۵۰) در این مدرسه علاوه بر دروس فقه و اصول برخی از دروس جدید نظیر زبان انگلیسی و مقاله نویسی تدریس می شد. (مرکز بررسی اسنادتاریخی ۱۳۸۳، ص ۰۱) در نهایت اسلامی موفق شد برای تحصیل وارد مدرسه الواعظین شهر لکنهوشود و با نشان دادن استعداد و لیاقت خود مورد توجه جامعه شیعیان هندوستان واقع گردد، تا جاییکه مسئولیت کتابخانه بزرگ شیعیان شهر رامپوی هندوستان را به عهده گرفت و پس از مدتی از سوی شیعیان هند برای سفر تبلیغی راهی کشور برمه شد. (کرمی پور ۱۳۸۳، ص ۳۴)

وی پس از بازگشت به ایران در اواخر سال ۱۳۱۸ه.ش در مشهد اقدام به تشکیل جلسات دینی و آموزش قرآن کرد. فعالیت های وی در مشهدسبب شد از جانب نیروهای رژیم پهلوی مورد تعقیب واقع شود و به این ترتیب پس از گذراندن مدت زمانی در اختفا مقارن با اشغال ایران توسط نیروهای متفقین ساکن تهران شد. (کرمی پور، ۱۳۸۰، صص ۲۴-۲۲)

حضور او در تهران مصادف با ایجاد فضای باز سیاسی ناشی از سقوط سلطنت رضاشاه بود و از آنجایی که موضع دربار در خصوص اوضاع فرهنگی و سیاسی کشور بر مقابله با نفوذ اندیشه های کمونیستی و فعالیت های حزب توده متمرکز بود، در ظاهر برخوردی با ظواهر شریعت و روحانیت صورت نمی گرفت، بنابراین شیخ عباسعلی اسلامیدر خلال سال های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۸ه.ش به تدریج با همکاری علما، بازاریان و جمعی از فرهنگیان سلسله مدارس ابتدایی و متوسطه را در تهران تأسیس کرد. مطالب مورد آموزش در این مدارس عبارت از: اصول عقاید استدلالی، اخلاق، تاریخ اسلام، عربی، قرآن با ترجمه و تفسیر بود. (اسلامی، ۱۳۵۵، صص ۲۵-۲۴) در ابتدا در سال ۱۳۲۲ه.ش ۱۹۴۳م ((جمعیت پیروان قرآن)) توسط او تأسیس شد. که یکی از اصول مراننامه آن ((وادار نمودن جامعه به پیروی از علما و فقهای اثنی عشریه)) نشان از ارتباط نزدیک مؤسسه با روحانیت داشت. (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۵۱)

عباسعلی اسلامی، یوسف زاده و رجایی هسته‌ی جامعه تعلیمات اسلامی را شکل دادند، پس از تهران اولین مدرسه در کرمانشاه تأسیس شد. (حسینیان، ۱۳۸۱، صص ۴۳۷-۴۳۵) و سپس با حمایت نواب صفوی و آیت الله کاشانی فعالیت‌ها و اقدامات مذهبی حالت پویا و فعال به خود گرفت. (کرمی پور، ۱۳۸۰، ص ۳۰)

تأسیس مدارس و سخنرانی‌های مذهبی به ویژه در خصوص موضوعاتی مانند مسئله حجاب مسئله فلسطین و نیز تبلیغات ضد دینی رژیم و مطالب غیر اخلاقی مندرج در روزنامه‌ها و مسائل فرهنگی روز در دستور کار ((انجمن تعلیمات اسلامی)) قرار گرفت (سند شماره ۱) و همین موضوع سبب شد تا آقای اسلامی بارها از جانب ساواک مورد تعقیب واقع شود و بارها به دلیل سخنرانی‌های آتشین دستگیر و زندانی شود. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، صص ۲۴-۱۱) وی به دلیل جهاد فرهنگی و جدیت در مبارزات سیاسی بارها از جانب امام (ره) مورد تجلیل واقع شد. (حسینیان، ۱۳۸۱، صص ۴۳۴) وی سرانجام در ۲۰ فروردین ۱۳۶۴ ه.ش در سن ۸۹ سالگی در حالی که بیش از یکصد و هشتاد مدرسه از خود بر جای گذاشته بود در گذشت. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، صص ۲۵) (سند شماره ۲)

### حجت الاسلام حاج شیخ غلام رضا فیروزیان

همانگونه که بیشتر آمد جامعه تعلیمات اسلامی ابتدا در تهران و در دهه بیست شمسی به وجود آمد و به تدریج در سایر شهرها شعب خود را گسترش داد، شعبه اصفهان توسط شیخ غلام رضا فیروزیان پایه گذاری شد، که مختصری به زندگینامه ایشان می پردازیم.

حجت الاسلام حاج شیخ غلام رضا فیروزیان در سال ۱۲۹۸ ه.ش در خانواده ای متوسط و مذهبی در جنوب تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در تهران سپری کرد. پدرش در شکل گیری شخصیت مذهبی وی و برادرانش نقش مهمی داشت.

وی پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش و تبعید رضاشاه از ایران در مدرسه مشیر السلطنه تهران نزد آیت الله شیخ ابو جعفر کرمانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و همزمان در جلسات مذهبی که در محل سکونت وی برگزار می شد نیز شرکت می کرد و این جلسات مذهبی زمینه آشنایی ایشان با آیت الله اسلامی را فراهم کرد و به دامادی وی انجامید. (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۲۰)

حاج شیخ غلام رضا فیروزیان پس از آشنایی با روحانیون مبارزی نظیر مرحوم آیت الله ابوالقاسم کاشانی و حجت الاسلام شیخ عباسعلی اسلامی و همچنین شهید نواب صفوی در مسیر مبارزات

روحانیت قرار گرفت. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۹، ۴۸) (سند شماره ۳) پس از آن که از دهه ی ۱۳۴۰ ه.ش، روحانیت اصفهان دارای تشکیلات و سلسله مراتبی شدند و هریک از آن ها اقشار و رده ای خاص را رهبری می نمودند وی نیز با عنوان رئیس هیأت مدارس در اصفهان کار خود را دنبال کرد (مهرعلیزاده، ۱۳۸۶، صص ۴۱- ۴۰) و فعالیت های خود را تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داد .

#### تأسیس اولین مدرسه ی جامعه تعلیمات اسلامی در اصفهان

پیش از حضور غلام رضا فیروزیان در اصفهان زمینه آشنایی در خصوص چگونگی عملکرد جامعه تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان وجود داشت، زیرا بر اساس اسناد منتشر شده ساواک پیش از این شیخ عباسعلی اسلامی به منظور تقویت مالی جامعه مزبور و دریافت کمک از سوی روحانیون اغلب مسافرت هایی به شهرستان های مختلف از جمله شهر اصفهان داشت. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۳) (سند شماره ۴) همچنین آقای اسلامی برای انجام ماموریت از جانب آیت الله کاشانی بارها به اصفهان سفر کرده بود. (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۹، ص ۶۸) پس از گسترش و موفقیت این مدارس پی درخواست علما جهت تأسیس مدارس اسلامی در اصفهان، آیت الله اسلامی، شیخ غلام رضا فیروزیان را نماینده خود در تشکیل مدارس معرفی کرد و به این ترتیب این مدارس با همت ایشان (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۲۰) باقر نیلفروشان، تقی هسته ای و محمود میر محمد صادقی (حنیف، ۱۳۸۳، ص ۳۷۱) در مرداد ۱۳۲۶ ه.ش در اصفهان تأسیس شد و از سال ۱۳۲۹ ه.ش بر گسترش فعالیت ها افزوده شد. (شیخی، ۱۳۸۳، ۱۳۵)

حجت الاسلام فیروزیان ارتباط نزدیک و ارادت خاصی به آیت الله خادمی از علمای مجاهد و مبارز در حوزه علمیه اصفهان داشتند و به دعوت ایشان به اصفهان آمدند و مدتی در منزل سرهنگ حسین نور بخش ساکن شدند. (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۲۱) همچنین فعالیت های شعبه جامعه تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان از حمایت آیت الله سید حسن چهارسوقی برخوردار بود. (شیخی، ۱۳۸۳، ۱۳۵)

آقای فیروزیان قبل از تشکیل کلاس ها، طی دیداری با آقای ضیاء علامه، که در آن زمان انجمن تبلیغات دینی را اداره می کرد کوشید تا کمک و حمایت وی را به دست آورد (حنیف، ۱۳۸۳، ص ۳۷۲)



کلاس های مذهبی در حوزه علمیه درب کوشک و به وسیله یکی از طلاب که به نحوی تدریس آشنا بود زیر نظر آقای فیروزیان اداره می شد و در این کلاس ها علاوه بر قرآن ، اصول عقاید و احکام به صورت سوال و جواب آموزش داده می شد.

در ایام ماه مبارک رمضان ضمن گفتگو در خصوص اهمیت و لزوم دانستن مسائل مذهبی ، در مورد روزه و ارزش عبادات به دانش آموزان، آموزش هایی داده می شد .

در این دوران دانش آموزان و محصلین آموزش دیده در جلسات عمومی حضور یافته و در جمع مردم مطالب آموزش دیده را به صورت سوال و جواب بیان می کردند.(نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۹۳) در جریان یکی از این جلسات و در یکی از اولین روزهای تأسیس مدرسه دینی خانواده تاجر سرشناس محمودیه ، عنوان کردند که منزل چهار اتاقه ای در کوچه جهانبانیدروازه دولت رابه صورت رایگان در اختیار هیئت مدیره ای این کلاس های مذهبی می گذارند .(نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۹۵) به این ترتیب کار کلاس در محل جدید آغاز شد ، در آن کلاس ها علاوه بر قرآن و تفسیر تا حدودی به مسائل سیاسی روز توجه می شد .(حنیف، ۱۳۸۳، ص ۳۷۲) پول خرید میز و نیمکت هم از طریق مردم تهیه شد آقای رضا رضازاده مسئول جمع آوری کمک های مردمی بود (حنیف ، ۱۳۸۳، ص ۳۷۲) و مدرسه به نام (دبستان جعفری ) شعبه جامعه تعلیمات اسلامی نام گذاری شد.(نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۹۵)

با این که این منزل چهار اتاق بیشتر نداشت و یکی از آنها برای دفتر استفاده می شد ولی به همت آقای عبدالوهاب طالقانی ،محمد باقر نیلفروشان، و چند تن دیگر به اندازه گنجایش اتاق ها برای شش کلاس محصل پذیرفته شد و نسبت به مدارس دولتی از نظر پیشرفت درسی امتیازاتی کسب نمود.(نیکبخت ، ۱۳۹۰، ص ۹۵)

در همین زمان ، میرزا محمد جعفر کازرونی از ثروتمندان اصفهان ، یکی از مغازه های پاساژ کازرونی ، واقع در پشت بازارچه نو( در بازار رنگرزا ) را به عنوان کتابخانه در اختیار این مدرسه قرار داد و یکی از معلمان اصفهانی به نام آقای توسلی با دریافت حقوق اندک مسئول اداره این کتابخانه شد.

کتاب های مورد نیاز جوانان مذهبی به صورت کرایه یا فروش در اختیار علاقه مندان قرار می گرفت .(حنیف ، ۱۳۸۳، صص ۳۷۳-۳۷۲)

چون مدرسه امتیاز نداشت، آخر سال تحصیلی با اجازه ای که جامعه تعلیمات اسلامی مرکز از وزارت فرهنگ داشت محصلین در امتحانات نهایی سایر مدارس رسمی شرکت کرده و تمامی موفق به گرفتن تصدیق ششم شدند.

موفقیت محصلان در امتحانات، سخنرانی های مذهبی در مساجد، در مناسبت هایی که روحانیون حاضر و ناظر بودند و همچنین موفقیتی که حجت الاسلام فیروزیان در تغییر یک کد خدای بهایی به دست آورد موجب شد هیئت علمیه اعلامیه ای مبنی بر تأیید جامعه تعلیمات اسلامی و تشویق مردم در کمک به این مدارس صادر کند. (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۹۶)

پس از انتشار این اعلامیه دعوتی در خصوص تشکیل هیئت مدیره، برای اداره این مدارس به عمل آمد زیرا همه شعبات تحت ریاست یک مدیر و هیأت مدیره مرکزی اداره می شد، ولی هر یک از مدارس وابسته در تهران و شهرستان ها، مدیریت و اعضاء کارد خود را از میان افراد همان شعبه تعیین می نمود (روشن نهاد، ۱۳۸۴، ص ۶۷) به این ترتیب در اصفهان، حضرت آیت الله خادمی و طیب از روحانیون حاج آقا مولوی، مغازای و حاج میرزا علی اکبر کازرونی از بازاری ها آقای سعادت یون معاون اداره ثبت املاک، آقای محمد نوربخش کارمند دارایی و آقای دکتر نواب به همراه آقای فیروزیان و سرهنگ نوربخش به عضویت آن در آمده و به کار های اجرایی پرداختند (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۹۶)

بعد از مدتی بدون اطلاع آقای فیروزیان دانش آموزان مدرسه جعفریه جامعه تعلیمات اسلامی از جانب ناظم به یک مدرسه دولتی در نزدیکی این مدرسه منتقل شدند و تلاش آقای فیروزیان برای بازگرداندن تمام آنها بی نتیجه ماند و تنها نیمی از دانش آموزان با کارنامه به مدرسه بازگشتند، تا آنکه از نواحی مختلف اصفهان به هیئت مدیره تقاضای تأسیس مدرسه فرستاده شد. بعد از مدرسه جعفریه، دومین مدرسه را در محله چهار سوق شیرازی ها که دارای اتاق های کافی برای شش کلاس و دارای صحنی وسیع بود دایر کردند. ماهیانه نود تومان اجاره مکان می شد و از دیپلم حاج آقامفید که از بازاری ها بود جهت کسب امتیاز برای مدرسه استفاده شد و به نام ( دبستان مفید شعبه جامعه تعلیمات اسلامی ) رسماً تابلو نصب شد. (نیکبخت، ۱۳۹۰، ص ۹۷) پس از آن شعبه اصفهان جامعه تعلیمات اسلامی برای احداث مدارس دخترانه و پسرانه اقدام به تأسیس شرکت سهامی فرهنگ اسلامی نمود و با فروش سهامی آن، امر مدرسه سازی را علمی ساخت. (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶)

به این ترتیب بر شمار مدارس افزوده شد و فعالیت آنها گسترش یافت. از سایر اقدامات جامعه در اصفهان تأسیس کتابخانه، قرائت خانه در خیابان چهارباغ و دارالصنایع بود. (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶) آقای فیروزیان به عنوان مؤسس این مدارس در اصفهان در کنار فعالیت فرهنگی، از مسائل سیاسی نیز غافل نبود (سند شماره ۴) و با شرکت در مبارزات به ویژه در جریان حمایت از آیت الله کاشانی بارها دستگیر و روانه زندان شد. (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱)

فعالیت غلام رضا فیروزیان به دلیل ارتباط نزدیک وی با آیت الله خادمی و شرکت در جلسات روحانیون که ایشان در رأس آن ها قرار داشت از دید ساواک پنهان نبود. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۹، ۴۸) (سند شماره ۵) همچنین این مدارس مکانی برای آموزش کسانی شد که در طی سالین بعد در به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشتند و از جمله مؤسسان و رهبران انقلابی اصفهان که در آن زمان با جامعه در ارتباط بودند می توان به ابوالحسن سپه، آقای صلواتی دبیر اداره فرهنگ و آقای زهتاب و حاج آقا هسته ای معلم، و فعال سیاسی و همچنین آقای حسن حداد اشاره کرد. (حنیف، ۱۳۸۳، ۳۷۴)

#### **برنامه های آموزشی در مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در اصفهان**

در کنار کتب فنی و تخصص که آموزش آن در کلیه مدارس اجباری بود، قرآن، اصول عقاید و احکام به صورت سوال و جواب به دانش آموزان آموخته می شد. در مدارس ابتدایی، آموزش اصول و فروع دین در قالب سوال و جواب واز طریق شعر به کودکان آموزش داده می شد این اشعار که توسط شخص آقای فیروزیان سروده شده بود مورد استقبال قرار گرفت و حتی در قالب کتاب نیز به چاپ رسیده است. (فیروزیان، بی تا، صص ۴-۱۲) همچنین مطالبی در خصوص توجه به امر نماز و معاد و آشنایی با ائمه اطهار در این اشعار به کودکان آموزش می دادند و از شخصیت ها و چهره های شناخته شده ای در تدوین کتب درسی بهره گرفته می شد، از جمله اشخاصی مانند محمد جواد باهنر و علی غفوری و حسینعلی گلشنی در تدوین کتب دینی مدارس فعال بودند. (نیکبخت، ۱۰۰-۱۳۹۰، ۹۹)

در این مدارس علاوه بر تدریس دروس کلاسیک، برنامه های مذهبی از جمله قرائت قرآن و نماز جماعت نیز برگزار می شد و تدریس تاریخ اسلام و تعلیمات اسلامی که صرفاً جنبه ی مذهبی داشت نیز در دستور کار بود. (روشن نهاد، ۱۳۸۴، ص ۵۶). و می توان گفت نخستین کتاب های دینی مدارس کشور به همت این تشکل تدوین و انتشار یافت. (مدیر شانه چی، ۱۳۸۵، ص ۴۲)

آقای زمانی مدیر مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل از دانش آموختگان مدرسه جعفری اصفهان واقع در خیابان مسجد سید در مقطع دبستان بوده است، ایشان به برگزاری مراسم صبحگاه در مدرسه اشاره می کنند و از توجه به ساعت کلاس انشاء در این مدرسه یاد می کنند. (مصاحبه نویسنده) این مدارس در سطح شهر اصفهان از پشتیبانی روحانیت برخوردار بود و روحانیون به آن ها رفت و آمد می کردند.

حکومت پهلوی برای نظارت بر مدارس غیردولتی، دو اقدام پیاپی کرد. در ۱۳۵۲ ش، با بخشنامه منع حجاب، دبیرستانهای اسلامی دخترانه را محدود کرد و در پی آن، دولت نظارت و برنامه ریزی و مدیریت مدارس غیردولتی را بر عهده گرفت و بدین ترتیب، تلاش قشرهای مذهبی جامعه برای اجرای برنامه های تربیتی اسلامی در این مدارس با مخالفت روبه روشد. در پی این اقدامات، مدارس جامعه تعلیمات اسلامی مانند دیگر مدارس مذهبی با مشکلات متعددی روبرو شدند و فقط تعدادی از دبیرستانهای دخترانه جامعه توانستند به برنامه های آموزشی خود تا ۱۳۵۷ ش ادامه دهند. در ۱۳۵۳ ش دولت برای نظارت بر مدارس غیر دولتی، تمام دبستانها و مدارس راهنمایی بخش خصوصی را دولتی اعلام کرد و جامعه تعلیمات اسلامی از میان مدارس تحت نظارت خود توانست معدودی از دبیرستانها را حفظ نماید (کرمی پور، ۱۳۸۰ ص ۹۷).

از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷. ش جامعه تعلیمات اسلامی به دلیل دولتی شدن مدارس، تمام مدارس تحت نظارت خود را به آموزش و پرورش داد و بدین ترتیب چهارده سال از فعالیت بازماند تا اینکه در ۱۳۶۸ ش، در پی تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی، جامعه با اخذ مجوز به تأسیس مدارس اسلامی غیرانتفاعی پرداخت و دبستان سادات اصفهان واقع در خیابان کاوه یکی از مدارس زیر پوشش این جامعه است (حدادعادل، ۱۳۹۱، سایت مدارس جامعه تعلیمات اسلامی)

### نتیجه

در پایان می توان گفت تأسیس مدارس جامعه تعلیمات اسلامی به عنوان یک مرکز فرهنگی و کنشی در برابر تلاش دوره پهلوی اول در راستای ایجاد یک نظام تعلیم و تربیت غیر دینی یا عرفی بود.

این زمینه موقعیتی را فراهم کرد تا روحانیون مبارز با سقوط سلطنت رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰.ش و باز شدن فضای سیاسی در سال های آغازین حکومت پهلوی دوم بار دیگر به صحنه بازگشته و با رویکردی جدید در صدد اصلاح نظام تعلیم و تربیت در کشور بر آیند .

اقدامات مؤسس مدارس جامعه تعلیمات ، عباسعلی اسلامی در تهران و شعبه آن در اصفهان شیخ غلام رضا فیروزیان که در تمامی مراحل ارتباط تنگاتنگی با مراجع تقلید داشتند از حمایت آنها برخوردار بود حاکی از این تلاش است .

این حرکت از سوی بازاریان متنفذ مورد حمایت مالی و تدارکاتی قرار گرفت و فعالیت آنها از جانب مردم متدین مورد استقبال واقع شد و خیلی زود گسترش یافت.

به این ترتیب این مدارس مکانی برای آموزش کسانی شد که در طی سالیان بعد در به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی نقش موثری داشتند، در حقیقت جامعه تعلیمات اسلامی در کلیه ابعاد خصوصاً در تأسیس مدارس علمی مذهبی ، تربیت نسلی را به عهده گرفت که هم مجهز به علوم روز و پذیرفته شده آن زمان بودند و هم نسبت به مبانی معارف و اخلاق اسلامی آشنایی داشتند تربیت چنین نسلی در مدیریت ، ادارات ، بازار و حضور آن ها در صحنه موجب تقویت جریان های نیروهای مذهبی گردید که خود در پذیرش رهبری مرجعیت شیعه و ایدئولوژی آن و انقلاب اسلامی نقش بسیار مؤثری ایفا کرد .

مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در مقاطع ابتدایی و راهنمایی کار خود را تا سال ۱۳۵۳.ش ادامه داد و با تصویب قانون آموزش رایگان تمام مدارس آن تحت کنترل دولت در آمد اما دبیرستان های وابسته به آن تا پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت خود ادامه داد و امروز این جامعه در قالب مدارس غیر انتفاعی به فعالیت خود ادامه می دهد.

**فهرست منابع**

**کتاب ها**

- ۱- آبراهامیان، پرواند، ۱۳۷۹، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم
- ۲- آوری، پیتر، ۱۳۷۱، تاریخ معاصر ایران از تأسیس سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۲، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، تهران، مآسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ دوم
- ۳- اسلامی، عباسعلی، ۱۳۵۵، دو از یاد رفته، ج ۲، بی جا، انتشارات روزبه
- ۴- ایمانیه، مجتبی، بی تا، تاریخ فرهنگ اصفهان، مراکز تعلیم (از صدر اسلام تا کنون)، اصفهان انتشارات دانشگاه اصفهان
- ۵- جعفریان، رسول، ۱۳۸۵، جریان ها و سازمان های مذهبی، سیاسی ایران سال ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ ششم
- ۶- حسینیان، روح الله، ۱۳۸۱، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۴۰، تهران انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول
- ۷- حنیف، محمد، ۱۳۸۳، اصفهان در انقلاب، ج ۱، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج معاونت پژوهشی، چاپ اول
- ۸- روشن نهاد، ناهید، ۱۳۸۴، مدارس اسلامی در دوره پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول
- ۹- روضاتی، احمد، ۱۳۸۸، معین الاسلام و فرهنگ معاصر اصفهان، اصفهان، کانون پژوهش، چاپ اول
- ۱۰- شیخی، لیا، ۱۳۸۳، اصفهان قلب سیاسی ایران معاصر، اصفهان، انتشارات دادیار با همکاری انتشارات فرهنگ مردم، چاپ اول
- ۱۱- صدیق، عیسی، ۱۳۵۶، دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران، تهران، به سرمایه شرکت سهامی طبع کتاب (خاص)، چاپ هفدهم
- ۱۲- صفوی، امان الله، ۱۳۸۳، تاریخ آموزش و پرورش ایران از ایران باستان تا ۱۳۸۰ه.ش با تأکید بر دوره معاصر، تهران، رشد، چاپ اول
- ۱۳- کرمی پور، حمید، ۱۳۸۰، جامعه تعلیمات اسلامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول

- ۱۴- کرونین، استفانی، ۱۳۸۳، رضا شاه و شکل گیری ایران نوین (دولت و جامعه در زمان رضا شاه)، ترجمه مرتضی ثابت فر، تهران، جامی
- ۱۵- کوهستانی نژاد، مسعود، ۱۳۸۵، چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه اول قرن بیستم، کتاب دوم، تهران، نشر نی، چاپ اول
- ۱۶- مدیر شانه چی، محسن، ۱۳۸۵، فرهنگ احزاب و جمعیت های سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر، چاپ اول
- ۱۷- مرکز بررسی اسناد تاریخی، حجت الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، چاپ اول
- ۱۸- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۹، یاران امام به روایت اسناد ساواک (کتاب نوزدهم) حضرت آیت الله سید حسین خادمی (خادم شریعت)، تهران، چاپ دوم
- ۱۹- مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۱، اسنادی از انجمن ها و مجامع دینی در دوره پهلوی، تهران، مرکز اسناد ریاست جمهوری، چاپ اول
- ۲۰- مهر عزیزاده، مهدی، ۱۳۸۶، تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول
- ۲۱- معتمدی، اسفندیار، ۱۳۸۶، اصفهان، مدارس نوین و مفاخر آن، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول
- ۲۲- نیکبخت، رحیم، ۱۳۹۰، خاطرات و اسناد فیروزیان، حجت الاسلام حاج شیخ غلام رضا فیروزیان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول

#### مقاله

۱) کرمی پور، محمد، ۱۳۸۳، ((شورش سفید در آکادمیهای مذهبی /نگاهی به فعالیت های آموزشی و فرهنگی ((جامعه تعلیمات اسلامی در عصر پهلوی دوم))، تاریخ زمانه، سال سوم اردیبهشت، شماره ۲۰، از صفحه ۳۳ تا ۳۸

#### مصاحبه

مصاحبه ی آقای زمانی، اصفهان، ۱۳۹۱

#### اسناد

۱) کوهستانی نژاد، مسعود، ۱۳۸۵، چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه اول قرن بیستم، کتاب دوم، تهران، نشر نی، چاپ اول

۲) مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۱، اسنادی از انجمن ها و مجامع دینی در دوره پهلوی، تهران، مرکز اسناد ریاست جمهوری، چاپ اول

۳) مرکز بررسی اسناد تاریخی، حجت الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، چاپ اول

#### سایت اینترنتی

حداد عادل، فریدالدین، ۱۳۹۱، ((تاریخچه مدارس))، سایت مدارس جامعه تعلیمات اسلامی [www.jte.ir](http://www.jte.ir)



کنگره علویین ۵۷۹

### کنگره علویین

#### [ گزارش شماره ۱ ]

##### [ ورود نواب احتشام رضوی به رشت ]

جناب آقای نواب احتشام رضوی به نمایندگی از کنگره علویین به رشت وارد و موجب خرسندی برادران دینی ما گردیده است.<sup>۱</sup>

\*\*\*

#### [ گزارش شماره ۲ ]

##### [ گزارشی از فعالیت انجام شده بر علیه وزیر فرهنگ ]

در ۱۳۲۷/۲/۴، دکتر علی‌اکبر سیاسی وزیر فرهنگ، طی سخنانی در مجلس، در ارتباط با دین و دانشگاه مطالبی را بیان کرد، متعاقب آن گروه‌های مذهبی به شدت به سخنان او اعتراض کردند، از جمله در روز یکشنبه پنجم اردیبهشت گروهی به سمت خانه آیت‌الله کاشانی راهپیمایی کردند، در این راهپیمایی، آقای نواب احتشام رضوی پیشوای نهضت مقدس خراسان و رئیس کنگره علوئین و آقای اسلامی مؤسس و رئیس جامعه تعلیمات اسلامی که یکی از خطبای شهیر و مردان فداکار جهان اسلامند را به نمایندگی خویش انتخاب کردند. آقایان برای ابلاغ مطالب مردم به‌عنوان مقام ریاست مجلس و به نمایندگی و معیت نمایندگان طبقات مختلف مردم تهران که بالغ بر صدها نفر بودند به طرف مجلس حرکت کردند. در جلو مجلس و در محیط مجلس از آقایان استقبال شایانی به عمل آمد و هر آن جمعیت جلوی مجلس رو به تزیید می‌رفت و آقای نواب احتشام رضوی به داخل مجلس راهم‌نمائی شدند. آقایان پیام و تقاضای ذیل را از طرف مردم به آقای سردار فاخر رساندند:

- ۱- دکتر سیاسی که بی‌دینی و عدم لیاقتش ثابت گردید یک روز دیگر باید در رأس فرهنگ نماند.
- ۲- پس از این اگر از طرف مجلس و دولت و یا هر یک از وکلاء کوچکترین تظاہری بر علیه اسلام و قرآن به‌عمل آید ناگزیریم وظایف رسمی خود را نسبت به آنها انجام دهیم به‌قسمی که عبرت دیگران گردد.

پس از ابلاغ پیام مردم، آقای سردار فاخر پیغام دادند که دکتر سیاسی برکنار شد و نظر آقایان تأمین گردید. آقایان اعلام کردند برکناری این عنصر کثیف از وزارت فرهنگ کافی نیست. مردم انفصال قطعی او را از ریاست دانشکده تهران نیز خواستارند. آقای قائم مقام‌الملک رفیع که از نمایندگان شریف و مسلمان مجلسند از طرف مجلس و مقام ریاست برای ارضای آقایان و معاودت مردم، آقایان را ملاقات نموده و در این زمینه نیز قول مساعد دادند.<sup>۲</sup>

۱. هفت‌نامهٔ پرچم اسلام، ش ۱۰۲، ۶ خرداد ۱۳۲۷، ص ۳.

۲. هفت‌نامهٔ آیین اسلام، ش ۱۸، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۷، ص ۲ و ۳.

(برگرفته از کتاب چالش مذهب و مدرنیسم در ایران نوشته مسعود کوهستانی نژاد ص ۵۷۹)

سند شماره ۵۳

نامه جامعه تعلیمات اسلامی به نخست وزیر (محمد مصدق) مبنی بر ضرورت مساعادت دولت به تقاضاهای آن جامعه

[تاریخ: ۱۳۲۵/۵/۱۸]

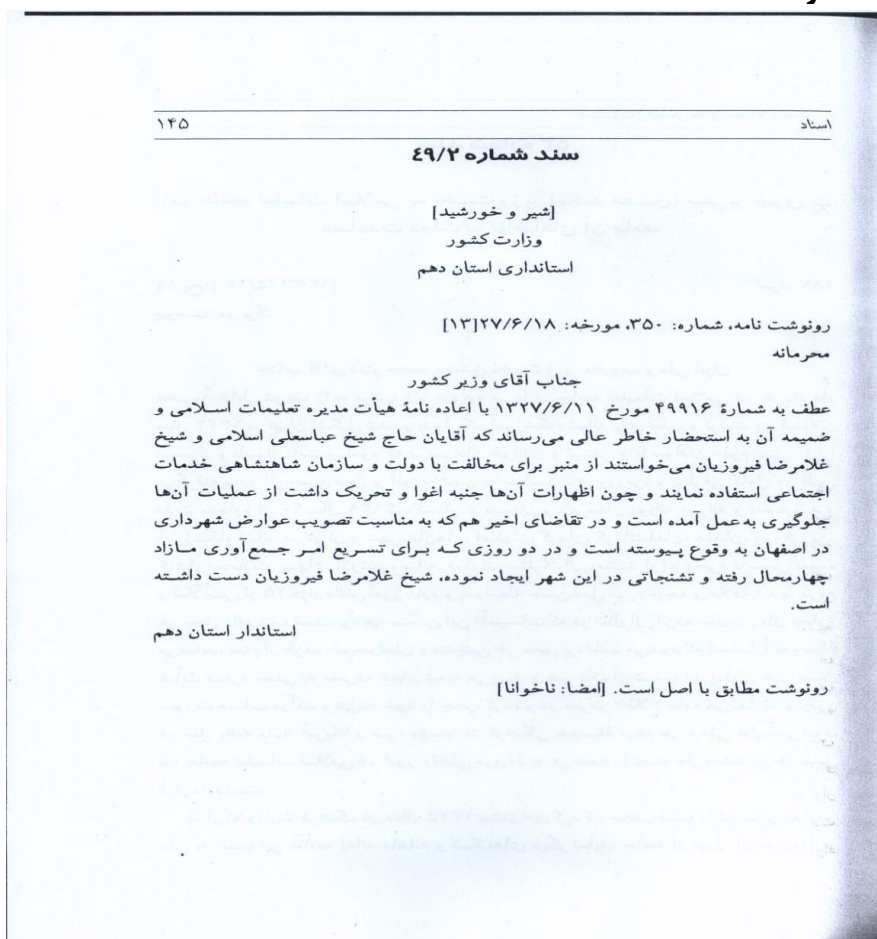
نمره: ۲۸۷

پیوست: دو برگ

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب و ملی ایران محترماً خاطر شریف را به مراتب زیر متوجه می‌دارد: جامعه تعلیمات اسلامی در خرداد ماه سال ۱۳۲۲ در تهران تشکیل شده و بدو یک آموزشگاه شبانه برای تعلیم و تربیت بزرگسالان بی‌سواد و باسواد تأسیس نمود که بی‌سوادان خواندن و نوشتن و با سوادان علوم دینی را فرا می‌گرفته و در اثر حسن عمل و آلوده نشدن به سیاست‌های روزمره و بیطرفی کامل در طی مدت متجاوز از ۱۰ سال ۱۳۲۹ کودکستان و دبستان و دبیرستان روزانه پسرانه و دخترانه و آموزشگاه شبانه در تهران و شهرستان‌های اصفهان، کرمان، کرمانشاهان، همدان، قم، قزوین، کاشان، محلات، بهبهان، آذرشهر، میانه، دماوند، سنقرکلیائی، مشهد [و] بروجرد تأسیس نموده و فعلاً بیش از ۲۵ هزار دانش آموز دارد و به واسطه حسن عمل مورد توجه و علاقه شدید مردم هر محل واقع شده است. بودجه سنگین این تأسیسات که در سال از پانزده میلیون ریال تجاوز می‌نماید، تمام از طرف خیرخواهان و متدینین هر محل پرداخت می‌شود که انحصاراً به وسیله هیأت مدیره محلی به مصرف همان شعبه می‌رسد و هر یک از شعب در پایان هر سال صورت حساب درآمد و هزینه خود را چاپ کرده و در معرض اطلاع عامه می‌گذارند و چون در ملل راقیه مانند آمریکا و غیره مؤسسات فرهنگی به وسیله مردم هر محلی اداره می‌شود، لذا جامعه تعلیمات اسلامی هم امور داخلی مربوط به هر شعبه را تحت نظر معتمدین هر محل قرار داده است.

با آنکه وزارت فرهنگ در سال ۱۳۲۵ پیشنهادی کرد که حاضر است مانند سایر مدارس ملی به شعب این جامعه اعانه ماهانه و کمک‌های دیگر نماید، جامعه از قبول آن خودداری

برگرفته از کتاب اسنادی از انجمن ها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی ص ۱۵



برگرفته از کتاب اسنادی از انجمن ها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی ص ۱۴۵

سنده: ساواک جنوب شرق  
 پرنده: ریاست ساواک تهران - ۳۵۲۰  
 موضوع: شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری فرزند حسین

تاریخ: ۴۵/۹/۱۹  
 شماره: ۲۰/۱۹۲۲ و

چون نامبرده بالا سرپرست جامعه تعلیمات اسلامی می‌باشد و در این مورد توانسته آن طوری که باید و شاید در تهران موفقیتی به دست آورد از این جهت رای دریافت کمک از روحانیون به منظور تقویت جامعه مزبور اغلب مسافرت‌هایی به شهرستانها از جمله مشهد - آبادان - شهرکرد - قم - اصفهان نموده و خواهد نمود که اطلاعات‌های واصله از ساواک‌های شهرستانهای مورد نظر مؤید حضور نامبرده در شهرستانهای مذکور می‌باشد اینک چنانچه نباید نامبرده از تهران خارج شود می‌بایست چگونگی صراحتاً به این ساواک اعلام گردد تا در مورد عدم خروجش از تهران اقدامات مقتضی معمول شود. ضمناً در مورد



تاریخ: ۴۵/۱۰/۵  
 شماره: ۳۸/۲۰/۲۲۲۰۱  
 از: ساواک تهران  
 به: تیمسار ریاست ساواک اداره کل سوم ۳۱۶  
 دربار: دربار: شیخ عباسعلی اسلامی فرزند حسین  
 بازگشت به شماره ۴۳۴۳/۵۲۳۳  
 ۴۵/۹/۱۹  
 چون نامبرده بالا سرپرست جامعه تعلیمات اسلامی بوده و از نظر مادی توانسته در تهران موفقیتی به دست آورد از این جهت برای دریافت کمک از روحانیون به منظور تقویت جامعه مزبور اقدام به شهرکرد - قم و اصفهان مسافرت می‌نماید کما اینست پس از مراجعت از شهرستان قم به دعوت چند نفر از روحانیون و افراد متفرقه به آبادان حاضر در آن شهرستان به سر می‌برد مقرر فرمایند چنانچه شخص مزبور حق خروج از تهران را ندارد اعلام دارند تا در آینده نسبت به جلوگیری از مسافرت‌های وی اقدام مقتضی به عمل آید.  
 از طرف رئیس ساواک تهران - نواب آقای صالحی می‌بایست به موقع در مورد مسافرت‌های این قبیل اشخاص مراتب را اعلام تا به ساواک محل عزیمت آنان دستور مراقبت داده شود. ۱۰/۶

مسافرت وی به قم این گونه مسافرت‌ها عادی است و روحانیون و معممین و وعظ اکثر جهت زیارت و یا وعظ به شهرستانها به خصوص اماکن متبرکه مسافرت می‌نمایند فقط فعالیت مضره آنان است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. نامبرده بالا که چندی قبل به شهرستان قم رفته بود پس از مراجعت به تهران به دعوت چند نفر از روحانیون و افراد متفرقه شهرستان آبادان جهت وعظ به آن شهرستان مسافرت کرد و در حال حاضر نیز در آبادان به سر می‌برد.  
 رئیس ساواک جنوب شرق تهران - افضلی



برگرفته از کتاب (حجة الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک) ص ۲۹۳

سند شماره ۷۷/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

وزارت کشور

محترماً به عرض می‌رساند: گزارشات شهربانی رشت حاکی است در اوایل بهمن ماه اطلاعی می‌رسد که از طرف جمعیت ترویج اسلام دستور چاپ هزار برگ بیانیه در اطراف رفع حجاب به چاپخانه فردوسی داده شده و قرار است روز جمعه نهم بهمن ماه عده [ای] در منزل آقای لیفکویی مجتمع و پس از ایراد سخنرانی بیانیه مزبور را بین حاضرین تقسیم نمایند. چون مندرجات بیانیه برخلاف شئون و مصالح مملکتی بوده طبق دستور آقای استاندار به وسایل مقتضیه از چاپ آن جلوگیری، ولی آقای صدرائی اشکوری در منزل لیفکویی با حضور تقریباً ۱۵۰ نفر بر علیه اولیای امور و ارباب جراید و مأمورین شهربانی بیاناتی نموده و بعداً در مورد جلوگیری از چاپ بیانیه به شهربانی مراجعه و پاسخ مقتضی داده است.

در بندر پهلوی هم روز عید مولود جمعی از اعضای انجمن ترویج اسلام در مسجد سرخی مجتمع و آقایان محقق دبیر دبیرستان‌ها و راسخی رئیس فرهنگ لاهیجان به منبر رفتند] و پس از سخنرانی نشریه [ای] را که از طرف جمعیت ترویج اسلام در تهران تهیه شده [و] منتشر نموده‌اند، در لاهیجان نیز برگ‌های گراور شده فتاوی ۱۲ نفر روحانیون به وسیله میرمطلب مشهور به میرلهیح کارمند فرهنگ و نماینده روزنامه پرچم اسلام منتشر شده که هنوز عکس‌العملی پیدا نکرده است.

شهربانی رشت علاوه می‌کند طبق بررسی‌هایی که معمول گردیده آقای صدرائی اشکوری به نام حجاب شروع به تبلیغات و تهیه بیانیه نموده بوده که طبق دستور استانداری از انتشار آن جلوگیری و جناب آقای استاندار به آقایان متولی و محقق دبیر دبیرستان‌ها که در موضوع مداخله داشته‌اند، تذکرات لازم داده شده است. چند روز قبل شیخ غلامرضا نام فیروزی از طرف انجمن اسلامی تهران و اصفهان به رشت رفته با آقای صدرائی اشکوری ملاقات و در منزل آقایان لیفکویی و دبیبایی که از تجار آنجا هستند، جلساتی تشکیل و تصمیم به نشر بیانیه

می‌گیرند و قصد داشته‌اند بعد از انتشار بیانیه با تعطیل بازار و عدم فروش اجناس به بانوان بی‌حجاب به منویات خود پیشرفت دهند و در صورت لزوم و عدم موفقیت دفعتاً در تمام شهرستان‌ها تعطیل عمومی نمایند. اینک رونوشت بیانیه مزبور به پیوست ایفاد و استحضاراً معروض می‌دارد که راجع به عملیات شیخ غلامرضا فیروزی در اصفهان مراتب طی شماره ۱۳۲۳۵/۵۴۴۴ - ۲۶/۱۱/۲۵ [شماره] ۲۶۲۸۴ / گزارش شده و در قسمت مراقبت و جلوگیری از اختلال نظم و آرامش نیز دستور کافی به شهربانی رشت صادر گردیده است.

رئیس شهربانی کل کشور

سرتیپ صفاری

رونوشت برابر اصل است.

برگرفته از کتاب اسنادی از انجمن‌ها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی صص ۲۱۸-۲۱۷